

■ دکتر سید مصطفی محقق داماد

استاد دانشگاه شهید بهشتی

بوده و معارف اسلامی نیز بدان پرداخته است.

کلیدواژه

صادر نفس؛
کمال اول؛
کمالات ثانویه؛
فعل قویی (افعال بیواسطه نفس)؛
محاکات (تقلید)؛
معلوم بالذات؛
معلوم بالعرض؛
خلاقیت (هنری)؛
کلیات؛
شعر؛

ملاصدرا به پیروی از حکمای پیشین در تعریف نفس گفته است: نفس، کمال اول است برای جسم طبیعی آلی.^۱ منظور از کمال اول، در مقابل کمال دوم است: توضیح اینکه کمال اول یعنی اصل وجود، و پاسخ به سؤال از هل بسیطه. وقتی شما سؤال می‌کنید آیا سیمرخ موجود است یا موجود نیست، این سؤال از اصل وجود است و بهیچوجه از صفات و ویژگیهای آن پرسشی ندارید، حال وقتی در پاسخ می‌شنوید آری وجود دارد، اولین مرحله کمال یعنی هستی برای آن خبر داده شده است.

کمال اول بودن نفس، که در تعریف حکما آمده، تأکید بر این است که وجود، چیزی افزون بر ماهیت آدمی نیست. وقتی می‌گوییم الف عالم است، علم یک افزایش است چون یک صفت است و از کمالات ثانویه محسوب می‌شود، وجود که کمال اول است چنین رابطهای با اشیاء ندارد.

برای اثبات کمالات ثانویه نسبت به اشیاء، نیاز به آن است که در مرتبه نخست، شیء را در خارج و در ذهن ثابت بدانیم و آنگاه کمال ثانوی را بر آن مترتب سازیم. مثلاً وقتی می‌گوییم آتش حرارت دارد ابتدا باید آتش در ذهن و در خارج وجود داشته باشد، ولی در کمال اول چنین نیست؛ وقتی می‌گوییم الف وجود دارد، قبلاً نباید الف موجود باشد و آنگاه وجود را بر آن حمل نماییم، چون کمال اول اشیاء رابطه‌اش با اشیاء، ثنویت و تفکیکی

چکیده

از نظر حکمای اسلامی، نفس دو نوع فعالیت دارد، نوع اول، فعالیت بیواسطه نفس است که در اصطلاح فلسفه اسلامی فعل قیومی نامیده می‌شود و ما می‌توانیم در مقابل آن Emanation را قرار دهیم. در این نوع فعالیت، فعل از نفس صادر می‌شود، بگونه‌ای که میان صادر کننده (نفس) و صادر (محصول فعل آن) هیچگونه واسطه‌ای وجود ندارد. صادر کننده همواره حضور دارد و به محض غیبت، صادر، معدوم مطلق می‌گردد. وقتی انسان صورت یک برج صد طبقه‌ای را در ذهن تصور میکند، برج ذهنی، صادر نفس است، و نفس در ظرف وجود آن حضور دارد، و به محض غفلت و ترک توجه، اثری از برج باقی نخواهد ماند.

نوع دوم از فعالیت‌های نفس، اموری است که در خارج از ذهن تحقق می‌یابند مثل طرحی که یک مهندس برای یک ساختمان ارائه می‌دهد. درست است که اصل طرح از نوع فعالیت‌های دسته اول یعنی افعال بیواسطه نفس است، و در ذهن او وجود یافته ولی صورتی که در خارج به عنوان طرح منعکس شده از دسته دوم است، بدین معنی که نفس مهندس در بقاء آن حضور نخواهد داشت و حتی اگر او از میان برود طرح به جای خود باقی است.

با توجه به دو نوع فعل نفس، به ضرورت منطقی باید دو نوع موضوع را نیز بپذیریم یکی موضوع داخلی Subjective Object و دیگری موضوع خارجی Objective Object.

ملاصدرا این تقسیم را تحت عنوان معلوم بالذات و معلوم بالعرض بیان داشته است.

یکی دیگر از خلاقیت‌های نفس، درک کلیات است و بالاخره هنر، که از مظاهر زیبای خلاقیت نفس آدمی است و از روزگاران بسیار قدیم مورد توجه حکمای یونان باستان

۱- ملاصدرا، شرح هداية انبیرة، ص ۱۸۶، چاپ سنگی، ۱۳۱۳ هـ.ق.